

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محمد تقی کیایی

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی قوه قضائیه

فوق لیسانس حقوق جزا و جرم شناسی

مدرس دانشگاه

ضرورت اجباری شدن وکالت در تحقق دادرسی عادلانه

بانگ‌رش به سیرت‌تحوالات تاریخی واجتماعی جوامع بشری می‌توان گفت رسیدگی قضائی عادلانه و بی طرفانه از جمله دغدغه‌های بشر در دستگاه قضائی و مراجع دادگستری بوده است، بنحویکه جامعه بشری برای رسیدن به این هدف تاکنون هزینه‌های سنگینی متقبل شده است. در زمانهای قدیم دادرسی عادلانه نه تنها قابل دسترسی و دستیابی نبوده بلکه از جمله آرزوهای دیرینه انسانها بوده که فقط در قصه‌ها و رمانها وجود داشته است چرا که حاکمان و پادشاهان خود را عادل دانسته و آنچه را که دستور به اجرا می‌دادند و یا قضاوت و داوری می‌نمودند، عین عدالت می‌دانستند. با پیشرفت و ترقی جوامع و با ظهور و بروز قوای سه‌گانه مقننه، قضائیه و مجریه سازوکارهای فراوانی در رسیدگی قضائی عادلانه در سیستم‌های حقوقی کشورها فراهم آمد، به طوری که هر یک از نظامهای حقوقی برای دستیابی و تحقق این مهم قوانین مختلفی را وضع و نهادهای مدنی متعددی را تاسیس نمودند که نهاد وکالت و مراجعه به وکیل یکی از آن نهادها می‌باشد، چرا که تشریفات آئین دادرسی، پیچیدگی طرح دعاوی در محاکم و وجود مراجع رسیدگی قضائی و شبه قضائی متنوع و با صلاحیت مختلف هر یک از آنها موجب شده تا حاکمیت متوجه کمبود و خلاء وکیل در فرآیند دادرسی شود. اما موضوع الزامی و اجباری شدن دخالت وکلاء در مراجع قضائی از جمله موضوعاتی است که از دیر باز در قوانین بسیاری از کشورها وارد شده است به طوری که همیشه در بحث عدالت قضائی این سوال مطرح بوده است که آیا وکیل دادگستری در اعمال قضائی و دادرسی عادلانه نقشی دارد یا خیر؟ فرآیند دخالت وکلاء در امر دادرسی از چه زمانی شروع و چه زمانی خاتمه می‌یابد؟ الزامی شدن دخالت وکیل در امر دادرسی در قوانین موضوعه ایران از چه زمانی مطرح و اجرائی شده است و الیهای نقش وکیل در تحقق دادرسی عادلانه چگونه باید اعمال و ایفاء شود.

در این مقاله سعی شده تا ضمن بررسی اجباری و الزامی شدن دخالت وکیل در فرآیند تحقق دادرسی عادلانه جایگاه نهاد وکالت و وکیل در رسیدگی قضائی عادلانه مورد نقد و کنکاش قرار گرفته و ویراساس آن جایگاه دخالت وکیل در دادرسی عادلانه در قوانین موضوعه تبیین گردد و در نهایت راهکارهایی در جهت الزامی شدن دخالت وکیل در یک دادرسی بی طرفانه و منصفانه پیشنهاد گردد تا شاید این اعتقاد در قانونگذار جمهوری اسلامی ایران به وجود آید که به زودی موضوع اجباری شدن انتخاب وکیل در فرآیند دادرسی را به تصویب رساند.

گرچه از وکالت به عنوان یک نهاد حقوقی تاریخ دقیقی به دست نیامده است، اما بررسی تاریخی نشان دهنده آن است که سابقه آن بسیار طولانی و به درازای عمر بشر می باشد در یونان و روم باستان وکالت به صورت رسمی رواج پیدا نمود و به عنوان یک فن در جهت احقاق حق اشخاص پدید آمد.

در اسلام عقد وکالت به عنوان یکی از عقود مورد قبول شارع مقدس اهمیت ویژه ای در حقوق اسلامی دارد، بسیاری از فقهاء ضمن بیان احکام مربوط به عقد وکالت به انتخاب و توسل وکیل در امور حقوقی تاکید ورزیده اند. در وسایل الشیعه باب ۱۴ حدیثی از امیر المومنین علی (ع) نقل می کند که می فرمایند «ان للخصومه ضحما وان الشیطان لیحضرها وانی لا اکراه ان احضرها» «بدین معنی که اختلافات و مرافعات اشخاص رابه چیزی که نمی خواهد می کشاند و شیطان لیحضرها وانی لا اکراه ان اختلافات حاضر است و من از حضور در آن کراهت دارم» همچنین از آن حضرت نقل می کنند که در چندین مورد برادر خود عقیل و در جایی دیگر عبدالرحمان بن جعفر را به عنوان وکیل انتخاب نمودند.

اهمیت مشاوره حقوقی و دخالت وکیل در فرآیند دادرسی

بانگرش به سیر قانونگذاری در ایران و همچنین بررسی پرونده های مطروحه در محاکم قضایی ایران میتوان گفت هنوز فرهنگ استفاده از وکیل دادگستری و بهره گیری از مشاوره حقوقی در کشور ما نهادینه نشده است و افراد جامعه به ندرت در مسائل و مشکلات حقوقی و اجتماعی خویش از مشاوره حقوقی و یا انتخاب وکیل در امر دادرسی بهره مند میشوند ریشه این موضوع به سابقه تاریخی و فرهنگی ایرانیان بر می گردد چرا که در ایران همیشه صلح و سازش و میانجیگری و ریش سفیدی در فصل خصومت و دعاوی نقش اساسی داشته است البته عدم آگاهی مردم جامعه به قوانین، تبلیغات سوء از سوی رسانه های جمعی در خصوص وکلاء و بالا بودن حق الزحمه وکلاء نیز در این امر بی تاثیر نبوده است با این وجود امروزه اکثریت افراد جامعه به اهمیت لزوم مراجعه به وکیل در مشکلات پی برده همواره نقش حمایتی این نهاد قانونی در زندگی اجتماعی مردم بارزتر می گردد اما هنوز با استانداردهای جهانی فاصله زیادی داریم.

ترویج فرهنگ مشاوره حقوقی و استفاده از وکیل برای حل مشکلات حقوقی مردم از جمله مسائلی است که بایستی نهادهای ذریبط از جمله کانون های وکلاء، رسانه های جمعی، قوه قضائیه گام اساسی در این خصوص برداشته تا چالش های موجود مرتفع گردد.

آمار پرونده های موجود در مراجع قضایی نشانگر آن است که میزان پرونده های که با دخالت وکیل طرح می گردد رو به فزونی بوده و از طرفی چنین پرونده های با اشتباه کمتر و همچنین سرعت بیشتر به نتیجه می رسد با این حال موضوع الزامی شدن دخالت در کلیه پرونده ها و بررسی آثار آن هنوز از جمله موضوعات روز جامعه حقوقدانان و قوه قضائیه می باشد آنچه مسلم است هر پدیده نوع در آغازین دارای محاسن و ایراداتی است که به مرور زمان مرتفع خواهد شد موضوع الزامی شدن دخالت وکیل در فرایند دادرسی محاسن و معایبی دارد که تحقیق و بررسی آن موجب رفع موانع و به نهادینه شدن موضوع کمک خواهد نمود

الف- مزایای الزامی شدن دخالت وکیل در امر دادرسی

۱- طرح دعوی به شکل صحیح و قانونی در مرجع صلاحیتدار

طرح دعوی درست با رعایت کلیه تشریفات آیین دادرسی در مراجع صلاحیت دار قضایی از جمله مباحث مهم روند دادرسی در محاکم قضایی و شبه قضایی می باشد چرا که بارها شاهد آن هستیم افراد جامعه به علت عدم آگاهی به قوانین اقدام به دعوی نادرست در مراجع غیر صلاحیتدار می نمایند که این موجب نارضایتی شاکی و یا خواهان در پیگیری موضوع شده و ضمن اتلاف محاکم قضایی موجبات بی اعتمادی مردم به دستگاه قضایی را فراهم می نماید در حالیکه در صورت دخالت وکیل احتمال اشتباه در طرح دعوی به حداقل می رسد.

۲- کاهش میزان ورودی پرونده ها به دادگستری بررسی های آماری نشان میدهد در کشورهایی که وکالت اجباری شده است فرهنگ مراجعه به وکیل توسعه یافته و اصولاً "افراد آن جوامع کلیه مسائل و مشکلات حقوقی خویش را با مشاوره حقوقی حل و فصل می نمایند در نتیجه این امر موجب کاهش پرونده های دادگستری می شود در حالیکه در کشورمان اینگونه

نبوده وعده زیادی از مردم در صورت بروز هرگونه مشکل مستقیماً " به دادگستری مراجعه نموده و ضمن طرح دعاوی نادرست از قضات محترم انتظار مشاوره و راهنمایی را داشته و پس از شکست در دعاوی به وکیل مراجعه می نمایند.

۳- جلوگیری از اطاله دادرسی

طرح و تنظیم دادخواست درست مطابق موازین آیین دادرسی در مراجع صلاحیتدار به همراه اسناد و مدارک، لوائح حقوقی مستند و مستدل از جمله مزایای دعاوی مطروحه از سوی وکلای دادگستری بوده که منجر به روان سازی و تسریع روند رسیدگی پرونده های در محاکم قضایی می گردد.

۴- جلوگیری از انحراف دادرسی، مساعدت به دستگاه قضایی جهت تحقق قضاوت عادلانه

در فرآیند دادرسی احتمال خطا و اشتباه از سوی متداعیین، کارشناسان رسمی دادگستری، قاضی رسیدگی کننده و... وجود دارد بنابراین وکیل آگاه به قوانین می تواند با تذکر به موقع مانع انحراف دادرسی عادلانه گردد ضمن آنکه وکلاء می توانند با تهیه لوائح مستند آخرین رویه های قضایی را در مقام دفاع ارائه نموده و موجب ارتقاء سطح علمی قضات شوند.

۵- کاهش میزان حق الوکاله و افزایش درآمد وکلاء

چنانچه وکالت الزامی می شود همه اقشار جامعه می توانند با مراجعه به وکیل و پرداخت تعرفه تعیین شده از خدمات حقوقی وکیل بهره مند گردند که این امر علاوه بر افزایش درآمد وکلاء به علت کثرت مراجعه کنندگان می توانند موجب کاهش میزان حق الوکاله پایین تر از تعرفه گردد.

ایرادات الزامی شدن وکالت در دادگستری

مهمترین دلیل مخالفان الزامی شدن وکالت کافی نبودن تعداد وکلاء و عدم توانایی مردم در پرداخت حق الوکاله می باشد که این امر موجب ضرر و زیان مردم می شود به زعم مخالفان الزام اشخاص به وکالت خلاف رویه متداول و قواعد فقهی همچون قاعده لاضرر و لاضرار فی السلام و حتی مخالف عقل و منطق می باشد این استدلال مخالفان از جهات مختلف وارد نمی باشد چرا قانونگذار با پیش بینی وکالت معاضدتی تسخیری دستیابی اشخاص بی بضاعت را به وکیل دادگستری فراهم نموده است ضمن اینکه با بررسی دقیق پرونده های دادگستری به طور قطع میتوان گفت ضرر و زیان وارده به اشخاص، جامعه و دستگاه قضایی از الزامی نشدن امر وکالت بسیار بیشتر از الزامی شدن آن است.

مبحث اول:

تاریخچه الزامی شدن دخالت وکیل در قوانین موضوعه ایران

با مطالعه قوانین موضوعه ایران می توان گفت قانونگذار ایران همیشه نیم نگاهی به الزامی شدن دخالت وکلاء در امر دادرسی داشته است لیکن در هر برهه از زمان به دلایلی این مهم اجرایی نشده یا پس از مدتی کوتاهی اجراء آن متوقف شده است. برای نخستین بار در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ اصحاب دعوا مکلف شدند در برخی از مراجع قضایی، اقدامات خود را از طریق وکیل دادگستری انجام دهند، براساس ماده ۵۸ قانون یاد شده مقرر شد در دادگاههای بخش و شهرستان متداعیین می توانند شخصاً یا به وسیله وکیل، برای دادرسی اقدام کنند ولی دادگاههای استان و دیوان عالی کشور برابر تقدیم دادخواست و دادرسی باید وکیل داشته باشند پس از مدت کوتاهی به موجب ماده (۱) قانون موادالحاق به آیین دادرسی مدنی حکم ماده ۵۸ متوقف گردید.

در قانون اصلاحی بعضی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۴۷/۴/۲۰ بحث الزامی شدن دخالت وکیل در ماده (۴) در خصوص دعاوی در صلاحیت دادگاههای استان و دیوان کشور به تصویب رسید تا اینکه در مواد ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ قانون اصلاح پاره ای از قوانین سال ۱۳۵۶ مجدداً بحث الزامی شدن دخالت وکیل مطرح و به تصویب قوه مقننه رسید مطابق ماده ۳۲ قانون مذکور «در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام کند اقامه تمام یا بعضی از دعاوی حقوقی و نیز شکایت از آراء و دفاع از آنها در دادگاههای دادگستری با دخالت وکیل دادگستری خواهد بود...» به موجب این ماده و مواد بعدی قانون مذکور، کانون وکلاء مکلف به تامین وکیل معاضدتی برای همه اشخاص بی بضاعت یا کسانی که قادر به تادیه حق الوکاله نیستند شده اند، بررسی قوانین فوق نشان می دهد که قوه مقننه در قبل از انقلاب گرایش به الزامی شدن دخالت وکیل در امر دادرسی داشته است اگر چه اجراء آن عملی نگردید.

سابقه تاریخی قانونگذاری در بعد از انقلاب نشان می دهد که همواره حق حضور و دخالت وکیل در فرآیند دادرسی از جمله موضوعات و مولفه های مهم مقنن در امر دادرسی بوده است، این حق در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بند (۳) ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب

سال ۱۳۸۳ به هریک از اصحاب دعوی حق انتخاب، معرفی و حضور وکیل در تمامی مراحل دادرسی داده شده است گرچه این حق باقیودی همچون محرمانه بودن موضوع دعوی و غیره محدود شده است اما موضوع الزامی شدن دخالت وکیل در امر دادرسی به صورت عملی از تاریخ ۸۴/۴/۱۸ طی بخشنامه شماره ۱/۸۴/۴۵۷۸ ریاست محترم قوه قضائیه در آیین نامه اجرایی مواد ۳۱ و ۳۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری در امر حقوقی ابلاغ و اجراء گردیده که متاسفانه بخشنامه یاد پس از مدت کوتاهی طی رای وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۸۸/۱۲/۱۱ دیوانعالی کشور لغو گردید (۱) در نتیجه بحث دخالت وکیل در امر دادرسی به استثناء موارد مصرحه در رای وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۶۳/۶/۲۸ دیوانعالی کشور در امر کیفری در کلیه دعاوی حقوقی و کیفری اختیاری می باشد. (۱)

۱- رای ۷۱۴- مورخ ۸۸/۱۲/۱۱ هیأت عمومی دیوانعالی کشور مفاد قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری درباره الزامی شدن حضور وکیل در دادگاهها توسط ماده ۳۱ قانون مدنی نسخ ضمنی شده است و آیین نامه موسوم به اجباری شدن حضور وکیل در محاکم که ناظر بر قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری است قابلیت اجرا ندارد

بحث اول نقش وکیل در تحقق دادرسی عادلانه

گفتار اول: مفهوم دادرسی عادلانه

بحث دادرسی عادلانه از جمله مباحثی است که به عنوان یک قاعده حقوق بشر در اسناد و کنوانسیونهای بین المللی به آن تاکید و تصریح شده و در حال حاضر در حقوق داخلی اکثر کشورها وارد شده است به زعم حقوقدانان دادرسی عادلانه دادرسی است که افراد با استفاده از ساز و کار قانونی با مراجعه به دادگاه صالح و بی طرف احقاق حق نمایند.

گفتار دوم: اصول و قواعد دادرسی عادلانه

در فرآیند رسیدگی به منظور احقاق حق و اجرای عدالت همواره اصول و قواعد زیر به عنوان شاخصهای دادرسی عادلانه در اعلامیه حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد اعلامیه حقوق بشر و شهروند مربوط به قرن هجدهم فرانسه، میثاق بیت المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح گردیده که به طور خلاصه به آن می پردازیم.

رسیدگی به کلیه دعاوی توسط یک قاضی بی طرف و دادگاه غیر منتخب

- برخورداری از استماع اظهارات طرفین، شهود، کارشناسان با حضور وکیل مدافع
- حق برخورداری از تسهیلات قانونی و زمان کافی برای تهیه لایحه دفاعیه
- حق تساوی در برابر قانون و مرجع دادرسی در حین رسیدگی
- حق علنی بودن دادرسی
- اصل برائت و اینکه هر جرمی بایستی در محکمه صالح به اثبات برسد
- اصل قانون بودن جرم و مجازات و صدور حکم به موجب قانون و از طریق دادگاه صالح
- رعایت اصل تساوی در حین رسیدگی
- حق انتخاب وکیل و مساعدتهای وکیل تسخیری و معاضدتی و همچنین منع شکنجه، تفهیم اتهام فوری، منع بازداشت غیر قانونی و جلوگیری از بازداشت های انفرادی و غیره از جمله اصول اساسی یک دادرسی عادلانه می باشد با رعایت این اصول اجرای عدالت تضمین خواهد شد یکی از اصول بنیادین و راهبردی در دادرسی عادلانه حق حضور وکیل مدافع در کلیه مراحل دادرسی می باشد گر چه این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین قوانین عادی برای اصحاب دعوا به صورت حق انتخاب وکیل اختیاری، تسخیری و یا وکیل معاضدتی لحاظ شده است لیکن امروزه در بیشتر نظامهای حقوقی دنیا وکالت در دادگستری الزامی شده است.

اهمیت اجباری شدن وکالت در فرایند دادرسی

یکی از اصول تاثیر گذار و تشکیل دهنده در نظام دادرسی عادلانه حق داشتن وکیل و بهره مندی از مشاوره حقوقی می باشد هر چقدر میزان دخالت وکیل در مراحل دادرسی بیشتر باشد نقش نظارتی وکیل در کلیه مراحل دادرسی روشنتر می گردد بدیهی است با الزامی شدن وکالت در چهارچوب قوانین این نقش بارزتر شده و گام موثری در تحقق دادرسی عادلانه برداشته و فرشته عدالت را به سر منزل مقصود خواهد رساند.

شدن وکالت در فرایند دادرسی بوده که هر یک از موارد فوق نقش بسزایی در تحقق و تضمین اجرای عدالت داشته و موجبات

یک دادرسی عادلانه با صدور احکام عادلانه را فراهم می نماید

نقش نظارتی وکیل در دعاوی کیفری

الزامی شدن وکالت در دعاوی کیفری اثر بیشتری در جهت احقاق حق مراجعه کنندگان به دادسرا و محاکم کیفری را دارد چرا که در دعاوی کیفری علاوه بر مال مردم، حیث عرض و جان افراد به خطر می افتد که در صورت عدم اقدام مناسب و به موقع ضرر و زیان جبران ناپذیری به اشخاص وارد میشود مفهوم دادرسی عادلانه در امور کیفری معنی عمیق تری نسبت به امور حقوقی پیدا می کند چون که در دعاوی کیفری علاوه بر حقوق شاکی و متشاکی حقوق حاکمیت نیز بایستی مورد لحاظ واقع شود و به عبارتی رسیدگی به دعاوی کیفری اصول و قواعد دادرسی عادلانه بیشتر به خطر افتاده و به علت توازن قدرت حاکم با ابزارهای دفاعی اشخاص همواره مخدوش شده است. در امور کیفری عوامل تهدید و محدود کننده آزادی و استقلال قضاوت رو به فزونی است خاصاً " دعاوی که یک طرف آن دولت باشد لذا با دخالت افراد متخصص فن یعنی وکلای دادگستری زمینه رعایت یکی از اصول اساسی دادرسی عادلانه فراهم شده و نقش اساسی وکیل نمایان میشود. حقوق اشخاص در یک دادرسی عادلانه کیفری در سه مرحله که عبارت است از حقوق قبل از دادرسی، حقوق حین دادرسی و حقوق پس از دادرسی و صدور حکم قابل بحث و دادرسی است.

الف) مهمترین شاخص ها و اصول دادرسی عادلانه قبل از رسیدگی عبارت از منع شکنجه جهت اخذ اقرار حق برخورداری از رفتار مناسب و حفظ کرامت انسانی بازداشت شده، منع بازداشت و حبس خود سرانه، حق اطلاع از علت بازداشت، حق اطلاع از بازداشت، حق برخورداری از وکیل، حق حضور فوری نزد قاضی بی طرف به منظور بررسی مشروعیت بازداشت و یا حبس و... از جمله حقوق پیش از دادرسی می باشد.

ب) حقوق در حین رسیدگی

از جمله حقوق در حین دادرسی که در اکثر اسناد بین المللی به آن اشاره شده است عبارت است از حق رسیدگی اتهام در مرجع قضایی مستقل و بی طرف، حق سکوت، حق بهره مندی از اصل برائت، حق متهم به تفهیم اتهام، حق برخورداری از دادرسی و محاکمه علنی و... اصل عطف بما سبق نشدن قوانین جزائی و...

ج) حقوق پس از رسیدگی و صدور حکم

حق اعاده دادرسی واستیناف وحق برخورداری از جبران خسارت مادی ومعنوی در صورت وقوع اشتباه قضایی نیز مهمترین اصول دادرسی عادلانه پس از صدور حکم قلمداد می گردد.

یکی از مهمترین اصول دادرسی عادلانه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ومهاضات بین المللی وهمچنین در میثاق مدنی وسیاسی وسازمان ملل به آن اشاره شده است اصل برخورداری از مشاوره حقوقی ووکیل در کلیه مراحل دادرسی می باشد به نحوی که بدون حضور وکیل دستیابی به عدالت قضائی و صدور احکام عادلانه دشوار خواهد بود.

امروزه حق بهره مند از حضور وکیل در دعاوی کیفری در حقوق اساسی وقوانین عادی اکثر کشورها وارد شده است در جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۳۷ قانون اساسی وهمچنین در قانون آئین داری مدنی، کیفری وقانون حقوق شهروندی وسایر قوانین عادی به حق برخورداری وکیل اشاره شده است اما با این وجود به جزء جرائمی که مجازات آن قصاص اعدام ویا حبس ابد باشد، وکالت در دعاوی کیفری همچنان اختیاری است در حالی که حقوق وقوانین کیفری همیشه محدود کننده آزادی بوده وهست چرا در بیشتر دعاوی کیفری دادستان به عنوان مدعی العموم به نمایندگی از جامعه با تمام امکانات علیه متهم اعلام جرم می نماید لذا چنانچه متهم از حق برخورداری وکیل محروم گردد چه بسا بسیاری از حقوق دفاعی متهم که در قوانین مختلف پراکنده است نادیده گرفته شده ودر این میان یکی از اصول مهم دادرسی عادلانه که همان اصل برابری سلاح ها در مقام دفاع است مخدوش می گردد. با بررسی قوانین عادی پس از انقلاب در خصوص دعاوی کیفری می توان گفت وکالت در امور جزائی نه تنها اجباری والزامی نمی باشد بلکه وکلایی انتخابی نیز در کلیه مراحل رسیدگی در دادسرا با موانع بسیاری از جمله سری ومحرمانه بودن تحقیقات، امنیتی بودن موضوع پرونده با موانع متعددی مواجه می باشند.

متأسفانه عده ای از قضات محترم با استفاده از حق محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی مصرحه در ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری وماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی مانع ورود وکلاء در فرایند دادرسی خاصاً در مرحله تحقیقات مقدماتی شده وضمن برخورد نامناسب با وکلاء در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب شده است تا کمتر وکیلی حاضر به وکالت از متهمین در این مرحله گردد در نتیجه در اثر عدم مداخله وکیل مدافع در مرحله رسیدگی مقدماتی وشناسایی مجرم

بسیاری از اصول راهبردی دادرسی عادلانه مخدوش و نادیده گرفته می شود و چه بسا موجب تضییع حقوق متهم و انحراف مسیر تحقیقات مقدماتی از چهارچوب اصول قانونی می گردد.

بنابراین از جمله ایرادات وارده به سیستم قضایی کشورمان در دعاوی کیفری عدم فراهم نمودن مکانیزم های مناسب جهت دستیابی متهمین به وکیل مدافع و دفاع عادلانه می باشد. در حالی که این امر خلاف اصول مندرج در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد می باشد.

با توجه به اینکه کشورمان طلبه دار حکومت دینی در جهان تلقی می شود و از طرفی هم در دین مقدس اسلام به حفظ ارزش ها و کرامت انسانی توجه ویژه ای شده است و این موضوع در بسیاری از اصول قانون اساسی نیز آمده لذا این امر زبینه جمهوری اسلامی نمی باشد.

تا حقوق قانونی افراد در مقوله دفاع و مداخله وکیل در محاکم کیفری محدود شده و موجبات بی اعتمادی شهروندان و انتقاد مجامع بین المللی را فراهم ننماید.

نتیجه گیری و پیشنهاد

با توجه به این که نهاد وکالت جزء نهادهای حمایتی و نظارتی نقش بسزایی در اجرائی عدالت قضائی و اعمال اصول دادرسی عادلانه در فرآیند رسیدگی دعاوی حقوقی و کیفری دارد لذا با الزامی شدن وکالت نه تنها ضرری متوجه شهروندان و حاکمیت نمی شود بلکه با مداخله وکلانی متخصص و آگاه به قواعد و اصول حقوقی و مسلط به قوانین زمینه رسیدگی عادلانه و بی طرفانه در محاکمات قضائی فراهم شده و اصول راهبردی دادرسی عادلانه یعنی اصل تساوی عامه مردم در مقابل قانون، اصل انصاف در اجرای تمام قوانین و اصل عدالت به عنوان هدف غائی استقرار و تحقیق عینی می یابد.

در این میان مجلس شورای اسلامی مرکز امور مشاوران حقوقی و وکلاء و همچنین کانون های وکلاء و وظیفه دارند تا به منظور رفع ایرادات جزئی الزامی شدن وکالت زمینه بهره مندی همه اقشار جامعه را از خدمات حقوقی فراهم نمایند و الزامی شدن وکالت موجب می شود تا یکی از اصول بنیادین دادرسی عادلانه اجرائی شده و آحاد افراد جامعه از معاضدت وکلای مدافع برخوردار شوند ضمن این که باعث امنیت و آرامش روحی و روانی افراد در اجتماع می گردد و با اجباری شدن وکالت اصل

عدالت در جریان دادرسی به عنوان عنصر اساسی و کلیدی مد نظر واقع شده و زمینه همراهی و همکاری و همدلی بین قضات و وکلاء را فراهم نموده و کمک شایانی به قضات جهت کشف حقیقت خواهد نمود. و در نهایت اینکه با الزامی شدن وکالت کلیه حقوق دادرسی عادلانه تضمین و محقق خواهد شد.

چند پیشنهاد

۱- قوه قضائیه مرکز امور مشاوران حقوقی و وکلاء، کانون های وکلاء دادگستری مجلس و رسانه ی عمومی هر یک وظیفه دارند تا به منظور تحقق دادرسی عادلانه و حفظ ارزشها و کرامت انسانی در دادرسی گام اساسی جهت الزامی شدن وکالت برداشته تا با تدقیق و بررسی و نقادی ایرادات وارده مرتفع شده و در نهایت موجبات فراهم نمودن لایحه قانونی الزامی شدن وکالت را به نمایندگان مجلس شورای اسلامی گوشزد و اعلام نمایند.

۲- اگر اعتقاد به این داریم که وکیل یکی از بال های فرشته عدالت است باید در عمل نیز این امر عینیت یافته و اجازه بدهیم این بال در کلیه مراحل دادرسی فرشته عدالت را همراهی نماید لذا باید محدودیت های مصرحه در ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری را که عملاً مانع دخالت وکلاء در مرحله تحقیقات مقدماتی می شود حذف و اصلاح گردد.

۳- همان گونه که وزارت بهداشت به منظور افزایش و ارتقاء استانداردهای امر سلامت، پزشک خانواده را نهادینه و اجرایی نموده است. پیشنهاد می شود تا قوه قضائیه بحث وکیل خانواده را به عنوان یکی از اصول دادرسی عادلانه در کشور پیگیری نهادینه و اجرایی نمایند. در این صورت هر خانواده ایرانی با بهره مندی از خدمات حقوقی وکیل کمتر با مشکل مواجه شده و کلیه امور خود را با مشاوره وکیل خانواده رتق فتق خواهد نمود. بدیهی است با اجرایی وکیل خانواده بهداشت قضائی در جامعه و محاکم دادگستری بسط و گسترش خواهد یافت.

۴- ایرادات وارده به بحث الزامی شدن وکالت از قبیل کمبود وکلاء، عدم توان مردم به پرداخت حق الوکاله و ورود ضرر به شهروندان بسیار سطحی بوده و در مقابل منافع فراوان الزامی شدن وکالت وارد نبوده و قابل جمع می باشد (الجمع مهما امکان اولی) چرا که در حال حاضر تعداد وکلاء کشورمان در حد استانداردهای جهانی بوده و تعداد وکلای بیکار رو به افزایش می باشد ضمن اینکه با گسترش وکالت معاضدتی و تسخیری می توان به اشخاص بی بضاعت خدمات حقوقی مجانی ارائه نمود.

۵- اجباری شدن وکالت علاوه بر تضمین دادرسی عادلانه منجر به عدالت قضایی، بهداشت قضایی و احیای حقوق شهروندی

می گردد.